

کتابُ الناصری فی ترجمه کتابِ القادری فی التّعبیر

ترجمه فارسی مورخ ۹۲ق

(با نکاتی درباره اصل عربی کتاب و مؤلف آن)

علی صفری آق قلعه*

چکیده

یکی از کهن‌ترین متون عربی در زمینه تعبیر خواب التّعبیر القادری اثر نصر بن یعقوب دینوری نگاشته سال ۳۹۷ق است. ترجمه فارسی کهنی از این کتاب با نام کتابُ الناصری فی ترجمه کتابِ القادری فی التّعبیر توسط سراج الدّین عبدالعزیز الیزدی در سال ۹۲ق به انجام رسیده که از دیدگاه زبان فارسی اهمیت دارد. نسخه منحصربه‌فرد این ترجمه در سال‌های اخیر شناسایی شده و به همین دلیل در منابع تاریخ نگارش‌های فارسی بدان اشاره‌ای نشده است. در این مقاله، نخست به شناسایی اصل عربی و مؤلف آن پرداخته شده و سپس، ترجمه فارسی و برخی از ویژگی‌های مهم آن مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: تعبیر خواب؛ التّعبیر القادری؛ نصر بن یعقوب دینوری؛ الناصری فی ترجمه کتاب القادری؛ سراج الدّین عبدالعزیز الیزدی

تاریخ دریافت: ۹۷/۵/۶ تاریخ پذیرش: ۹۷/۸/۲

* پژوهشگر متون و نسخه‌شناس / alisafari_m@yahoo.com

مقدمه

به دلیل ماهیت پیچیده خواب و این که فرد گاهی می‌تواند در خواب از برخی رویدادها پیش از وقوع آنها آگاهی یابد، بسیاری از ملل در ادوار پیشین به خواب و خوابگزاری پرداخته‌اند. به استناد برخی شواهد قرآنی - مانند تأویل خواب‌ها در قصه یوسف - و همچنین برخی احادیث و اخبار می‌توان دانست که خوابگزاری از سوی اسلام نیز تأیید شده است. مذاهب اهل سنت در جوامع احادیث نبوی معمولاً ابواب و فصولی را به خواب اختصاص داده‌اند و این جز متون مستقل خوابگزاری نوشته شده توسط پیروان آن مذاهب است.^۱ در مذهب شیعه نیز علاوه بر موارد پراکنده مندرج در متون شیعی، گویا منابع اختصاصی در تعبیر خواب وجود داشته است، چنان که حبیب تفسیری (ق ۶) در مقدمه کامل‌التعبیر در کنار منابعش از اثری با نام تقسیم جعفر صادق به عنوان یکی از شش منبع مورد وثوق خود یاد کرده است (تفسیری، ۱۳۹۴: ۲-۳).^۲ محمد بن اسحق التّدیم نیز به دو کتاب تعبیر الرؤیا علی مذاهب اهل البیت علیهم السلام و همچنین تعبیر الرؤیا لاهل البیت اشاره کرده (ندیم، ۱۳۸۱: ۳۷۸) که از عنوان آنها برمی‌آید آثاری شیعی هستند.

متون کهن خوابگزاری معمولاً دارای دو بخش هستند: ۱. آگاهی‌های بنیانی در زمینه خواب و شیوه‌های خوابگزاری ۲. نمادهای خواب و گزارش آنها.

این دو بخش معمولاً حجم یکسانی ندارند. بخش نخست که معمولاً کوتاه است عمدتاً در دیباچه کتاب‌ها می‌آید و در آن به قواعد، شیوه‌ها و مباحث مرتبط با خواب و چگونگی گزارش آن پرداخته می‌شود. اما بخش دوم که معمولاً بخش اصلی متون خوابگزاری را تشکیل می‌دهد، شامل نمادهای خواب و گزارش هر کدام است. در این بخش، خواب‌ها در ذیل نام نمادی که نقش اصلی را در خواب دارند قرار می‌گیرند. چون تفسیر هر کدام از نمادها مبتنی بر این «نام»ها است، تنظیم آنها در کتاب‌های خوابگزاری معمولاً به صورت

۱. برای نمونه «کتاب‌التعبیر» در صحیح بخاری حاوی ۵۹ حدیث درباره خواب (بخاری، ۱۴۰۷: ۲۵۶۰-۲۵۸۵) است؛ همچنین «کتاب الرؤیا» در الجامع الصحیح که ۲۴ حدیث در موضوعات مختلف مرتبط با خواب در آن نقل شده است (ترمذی، بی تا: ۵۳۲/۴-۵۴۰).

۲. نسخه‌هایی از تعبیر خواب به فارسی منسوب به امام جعفر صادق^(ع) در برخی کتابخانه‌ها موجود است (درایتی، ۱۳۹۱: ۳۶۸/۸)؛ همچنین در دهه‌های اخیر، چندین عنوان کتاب با عناوینی چون تعبیر خواب امام جعفر صادق^(ع) منتشر شده که انتساب آنها باید تحقیق شود.

«الفبایی» است اما در منابع کهن، شیوه «دستگاهی» نیز به کار رفته است. شماری از مباحثی که در بخش اول این آثار (یعنی اصول و شیوه‌های خوابگزاری) مطرح شده است، با مباحث و چگونگی رمزگشایی خواب که در عصر حاضر در روانشناسی خواب مطرح می‌شود، هم‌خوانی دارد و شاید بتوان پژوهش مستقلی درباره این مقدمات و سنجش آنها با یافته‌های جدید انجام داد. اما آنچه به انتشار متون خوابگزاری - به ویژه متون فارسی - اهمیت می‌بخشد، اطلاعات فرهنگی، اجتماعی و به ویژه آگاهی‌های سودمند در زمینه زبان فارسی است که در بخش نمادهای خواب مندرج است. به همین دلیل بایسته است که این‌گونه متون شناسایی و منتشر شود تا بتوان مباحث مرتبط با خواب و خوابگزاری را به صورت روش‌مند در تاریخ نگارش‌های فارسی بررسی کرد.^۱

کتاب التعبير القادری (پس از این: القادری) اثر نصر بن یعقوب دینوری (زنده در ۳۹۷ق) یکی از کهن‌ترین و مبسوط‌ترین متون عربی در زمینه تعبیر خواب است.^۲ دینوری اثرش را در سال ۳۹۷ق برای خزانه کتب ابوالعباس احمد القادر بالله (حک. ۳۸۱-۴۲۲ق) خلیفه عباسی نگاشته است (دینوری، ۱۴۲۰: ۶). با توجه به نسخه‌های فراوان این اثر، معلوم می‌شود که در ادوار پیشین رواج بسیاری داشته است (قره‌بلوط، بی‌تا: ۳۸۳۵).^۳ ترجمه منظومی به زبان ترکی از القادری توسط احمد بن محمد ابن عربشاه الحنفی (۷۹۱-۸۵۴ق) به انجام رسیده (حاجی خلیفه، ۱۸۳۵: ۳۱۲/۲) که باز نشانگر توجه قدما به این اثر است.^۴

۱. مختار کمیلی شماری از متون فارسی در این زمینه را شناسانده است (کمیلی، ۱۳۸۷).
 ۲. تا جایی که منابع نشان می‌دهد، از متون خوابگزاری پیش از القادری چند اثر بر جای مانده است. از جمله کتاب تعبیر الرؤیا اثر ابو محمد عبدالله بن مسلم بن قتیبة الدینوری (د. ۲۷۶ق) که به چاپ هم رسیده است (دینوری، ۱۴۲۲). نصر بن یعقوب در مقاله پانزدهم مقدمه القادری از ابن قتیبه دینوری در شمار طبقه اصحاب تألیف علم خوابگزاری یاد کرده است (دینوری، ۱۴۲۰: ۱۱۴).
 ۳. در این منبع ۱۳ نسخه القادری شناسانده شده که حتی در زمینه بررسی نسخه‌های ترکیه بسیار ناقص است. برای نمونه این نسخه‌های کهن ترکیه در آنجا شناسانده نشده است: نسخه ۶۹۹ کتابخانه ینی جامع، مورخ ۶۹۱ق؛ نسخه ۱۸۳۳ کتابخانه اسعدافندی، مورخ ۷۹۹ق [با توجه به شیوه خط و دستکاری انجامه باید ۶۹۹ق درست باشد]؛ نسخه ۱۲۵۶ کتابخانه مرادملّا، بی‌تا [حدود سده ۸ق]. جز اینها دست‌کم دو نسخه ناقص القادری در کتابخانه‌های ایران شناسانده شده است (درایتی، ۱۳۹۱: ۳۶۶/۸).
 ۴. تا کنون نسخه‌ای از ترجمه منظوم ترکی ابن عربشاه در جایی گزارش نشده است. ابن عربشاه تفسیر ابواللیث ←

جز این، ترجمه‌ای فارسی از القادری با نام کتاب الناصری فی ترجمة كتاب القادری فی التعبير (پس از این: الناصری) توسط سراج‌الدین عبدالعزیز الیزدی در سال ۶۹۲ق به انجام رسیده که تا کنون در منابع تاریخ نگاشته‌های فارسی توجهی به آن نشده است.^۱ مقاله حاضر در صدد شناساندن این ترجمه است، ولی پیش از آن، اصل عربی و مؤلف آن را معرفی می‌کنیم.

ابوسعبد نصر بن یعقوب دینوری نویسنده القادری

چنان‌که خواهیم دید، دینوری از نویسندگانی است که در فارسی‌نویسی و بررسی‌های مرتبط با این زبان دستی داشته اما در تاریخ‌های ادبیات فارسی - و حتی عربی نیز - به زندگی او چندان نپرداخته‌اند. کهن‌ترین و مهم‌ترین منبع ترجمه احوال دینوری، کتاب یتیمه الدهر ثعالبی نیشابوری (۳۵۰-۴۲۹ق) است.^۲ مطابق نوشته ثعالبی، در سرزمین خراسان به برتری دینوری در کتابت و صنایع (ظ: ترسل و استیفا) خستو بودند. وی متن نامه ستایش آمیزی از صاحب بن عبّاد (د. ۳۸۵ق) خطاب به دینوری را نقل کرده و آن را سندی بر تبخّر دینوری در زمینه‌های یادشده دانسته است (ثعالبی ۱۴۰۳: ۴/۴۴۹-۴۵۲). ثعالبی در همانجا عبارتی را آورده که نشان می‌دهد دینوری در زمان نگارش یتیمه الدهر هنوز زنده و متولّی عمل عرض و اعطا در نیشابور بوده و این نشان می‌دهد که دینوری در استیفاء تبخّر داشته است. ثعالبی همچنین اشاره کرده که سلطان محمود غزنوی (حک. ۳۸۸-۴۲۱ق) نگارش پاسخ به نامه‌های خلیفه القادر بالله را به دینوری محوّل می‌کرد. این نکته جز آن‌که

→ سمرقندی را نیز به ترکی ترجمه کرده که نسخه‌های فراوانی از آن در دست است (قره‌بلوط، بی‌تا: ۵۱۵) و نشان می‌دهد وی از عربی به ترکی ترجمه داشته است. اثر معروف او عجایب‌المقدور فی اخبار تیمور نسخه‌های فراوان دارد که به چاپ هم رسیده (ابن‌عربشاه، ۱۲۸۵) و در ایران نیز به فارسی ترجمه و منتشر شده است (ابن‌عربشاه، ۱۳۵۶).

۱. نسخه پیش‌تر در فهرست کتابخانه ایاصوفیا شناسانده شده (حسینی، ۱۳۹۰: ۶۲) اما متأسفانه کاستی‌ها و اشتباهاتی در آن دیده می‌شود. نویسنده این سطور در خلال نقد فهرست آن کتابخانه بدین نکات به اختصار اشاره کرده است (صفری آق‌قلعه، ۱۳۹۲: ۹۸).

۲. آنچه در منابع بعدی درباره دینوری نقل شده همگی برگرفته از نوشته ثعالبی است (صفدی، ۱۴۱۸: ۹۱؛ کتبی، ۱۹۷۴: ۱۹۶-۱۹۷؛ حاجی‌خلیفه، ۲۰۱۰: ۳۶۹/۳؛ کحالة، ۱۴۱۴: ۱۳/۹۳-۹۴).

تبخر دینوری را در ترسل نشان می‌دهد،^۱ می‌تواند ارتباط دینوری با القادر بالله و سبب تألیف کتاب القادری برای خلیفه را روشن سازد:

وهو الآن يتولى عمل العرض^۲ و الاعطاء بنيسابور و اذا احتاج السلطان المعظم يمين الدولة و امين الملة الى الاجابة عن كتب الخليفة القادر بالله اعتمد فيها^۳ عليه لما يتحققه من حسن كلامه و قوة بيانه ...

در منابع موجود، به تاریخ زادن و درگذشت دینوری اشاره نشده است. از سوی، مشخص نیست که ثعالبی شرح حال دینوری را در چه سالی در یتیمه الدهر درج کرده است. می‌دانیم که ثعالبی تحریر اول یتیمه را به سال ۳۸۴ق به انجام رسانده و در حدود ۴۰۲-۴۰۷ق به تحریر دوم آن پرداخته است (ثعالبی، ۱۳۵۳: ۳ مقدمه؛ آذرنوش و مساح، ۱۳۹۲: ۳۳). با توجه به مرآده میان ثعالبی و دینوری می‌توان گمان برد که یادکرد ثعالبی در تحریر اول یتیمه (۳۸۴ق) آمده بوده، و با توجه به این که ثعالبی در تحریر دوم نیز به درگذشت دینوری اشاره نکرده، احتمال می‌رود که دینوری تا این دوره (۴۰۲-۴۰۷ق) همچنان زنده بوده است. از سوی دیگر، در چند جای یتیمه الدهر عباراتی درج شده که نشان می‌دهد ثعالبی با دینوری معاشر بوده است (نک: ثعالبی، ۱۴۰۳: ۲۵۹/۲؛ ۲۳۳/۳؛ ۱۷۵/۴ و...). برای نمونه در جایی ذیل یادکرد اشعار ابوالعباس احمد بن ابراهیم الضبی - از مصاحبان صاحب - به شعری از وی اشاره کرده که به خط خودش برای دینوری فرستاده بود تا در کتاب روائع التوجیها تدرج کند:

و ممّا قرأته بخطه فی الاوصاف والتشبيها ت من شعره و كان أنفذه الى ابى سعد^۴ نصر بن يعقوب ليضمنه كتابه كتاب روائع التوجيها ت فى بدائع التشبيها ت؛ قوله فى الثريا وهُوَ مَسْبُوقٌ إِلَيْهِ قَدِيمًا ... (ثعالبی، ۱۴۰۳: ۳۴۵/۳).

۱. خواهیم دید که بیرونی نیز از وی با نسبت «الکاتب» یاد کرده است.

۲. متن چاپی: «الفرض». تا جایی که نویسنده این سطور می‌داند عمل «فرض» به‌عنوان یکی از مشاغل حکومتی در منابع یاد نشده در حالی که در دوره غزنوی عمل و دیوان «عرض» وجود داشته و اتفاقاً منحصر به پادشاه نبوده است بلکه حاکمان مناطق بزرگ نیز عارض داشته‌اند (انوری، ۱۳۷۳: ۱۱۶-۱۱۹). ضبط بالا بر پایه نسخه ۱۹۵۹ کتابخانه لاله‌لی، مورخ ۵۶۹ق (گ ۵۹۳ پ) و نسخه ۴۳۷۵ کتابخانه نورعثمانیه، مورخ ۱۰۳۶ق (گ ۵۰۴ پ) است.

۳. نسخه ۱۹۵۹ کتابخانه لاله‌لی: «فیما».

۴. چاپ: «ابی سعید».

بنابراین می‌توان گمان برد که ثعالبی و دینوری تقریباً هم‌سال بوده‌اند و لذا دینوری سال‌هایی از نیمه نخست سده پنجم را نیز درک کرده است. از سویی، با توجه به نامه‌نگاری میان دینوری و صاحب بن عبّاد می‌توان نتیجه گرفت که وی حدوداً در اواسط سده چهارم زاده شده است و این دو قرینه یکدیگر را تقویت می‌کنند. اینها دانسته‌هایی قابل تأمل درباره زندگی دینوری هستند اما آخرین تاریخ قطعی زنده‌بودن دینوری، تاریخ نگارش القادری است.^۱

سال نگارش القادری در متن چاپی این کتاب «تسع و تسعين و ثلثمائة» (۳۹۹ق) ضبط شده است (دینوری، ۱۴۲۰: ۸/۱)؛ در حالی که حاجی خلیفه سال ۳۹۷ق را به‌عنوان سال نگارش ضبط کرده است (حاجی خلیفه، ۱۸۳۵: ۳۱۲/۲). در سه نسخه کهن این اثر (نسخه ۱۸۳۳ کتابخانه اسعد افندی و نسخه ۱۲۵۶ کتابخانه مرادملا و نسخه ۳۶۵۳ فاتح) که نویسنده این سطور بررسی کرده، نیز سال ۳۹۷ق درج شده است.^۲ مؤلف تعبیر سلطانی هم که القادری را در دسترس داشته، ۳۹۷ق را تاریخ نگارش القادری دانسته است. با توجه به این‌که اشتباه شدن «سبع» و «تسع» به‌جای هم امکان‌پذیر است - و ضمناً متن چاپی القادری صرفاً بر پایه یک نسخه تدوین شده -، احتمال می‌رود که ضبط بیشتر منابع، یعنی سال ۳۹۷ق، درست باشد. جالب توجه این‌که در مقدمه ترجمه فارسی اثر، یعنی الناصری، سال تألیف «ثمان و تسعين و ثلثمائة» (۳۹۸ق) درج شده است که مأخذش برای ما روشن نیست.

آثار دینوری

ثعالبی در خلال شرح احوال دینوری، به این آثار وی اشاره کرده است: ۱. رواع التوجهات من بدایع التشبیهات^۳ ۲. ثمار الانس فی تشبیهات الفرس ۳. الجامع الکبیر فی التّعیر ۴. کتاب الادعیة ۵. حقه الجواهر فی المفآخر (ثعالبی ۱۴۰۳: ۴/۴۵۰).

۱. از قرآن تاریخی مانند فتح نیشابور به دست غزنویان (حدود ۳۸۹ق و سپس ۳۹۴ق) یا سنجش دوره حکومت محمود غزنوی (حک ۳۸۸-۴۲۱ق) با دوره خلافت ابوالعبّاس احمد القادر بالله (حک ۳۸۱-۴۲۲ق) نمی‌توان محدوده زمانی دقیق‌تری درباره دوره زندگی دینوری به دست آورد.

۲. متأسفانه برگ‌های آغازین نسخه کهن شماره ۶۹۹ کتابخانه ینی جامع نونویس و وصالی شده است. در بخش نونویس عدد «تسع» ضبط شده است.

۳. ثعالبی در یتیمه از همین رواع التوجهات من بدایع التشبیهات نقل کرده است که یک نمونه را از ذیل ترجمه ابوالعبّاس احمد بن ابراهیم الضبی پیش‌تر نقل کردیم (نیز نک: ثعالبی، ۱۴۰۳: ۱/۲۹۱).

پس از ثعالبی، ابوریحان بیرونی (۳۶۲-۴۴۰ق) در آغاز الجماهر فی الجواهر تصریح می‌کند که از منابع فنّ جواهرشناسی به دو اثر مکتوب دسترسی داشته که یکی از آنها، مقاله‌ای به زبان فارسی از دینوری بوده است: «... ثمّ مقالة لنصر بن یعقوب الدینوری الکاتب؛ عملها بالفارسیة لمن لم یهتد لغيرها» (بیرونی، ۱۳۷۴: ۱۰۳).^۱

بنابراین دینوری را باید یکی از فارسی‌نویسان متقدم به شمار آورد که اثری به فارسی در جواهرشناسی داشته است. از سویی با توجه به عنوان کتاب ثمار الانس فی تشبیهات الفرس می‌توان دانست که این تألیف وی - که احتمالاً به زبان عربی بوده - درباره تشبیهات زبان فارسی یا تشبیهات ویژه ایرانیان بوده است. با توجه به عنوان روایع التوجیهات من بدایع التشبیهات نیز می‌توان گمان برد که دینوری تشبیهات عرب (یا تشبیهات به صورت عام) را در این کتاب بررسی کرده است.^۲ در خلال نامه پیش‌گفته از صاحب بن عبّاد به دینوری، به «کتاب التشبیهات» اشاره شده (ثعالبی، ۱۴۰۳: ۴/۴۵۰) و ثعالبی تصریح کرده که منظور از این کتاب روایع التوجیهات است. لذا تاریخ نگارش روایع پیش از درگذشت صاحب (۳۸۵ق) بوده است.

چون متن جواهرشناسی فارسی دینوری اکنون در دست نیست، آگاهی دقیقی از آن نداریم. روح‌اللهی بی‌هیچ تردیدی می‌گوید که حقه الجواهر فی المفاخر، همان اثر فارسی جواهرشناسی دینوری است (روح‌اللهی، ۱۳۹۲: ۶۲۵)؛ اما این فقط می‌تواند یک حدس بر مبنای عنوان اثر باشد و هیچ سندی برای اثباتش نمی‌شناسیم؛ ضمن این‌که ثعالبی در توصیف آن آورده: «حقة الجواهر فی المفاخر و هی من مزدوجة بهجة فی الامیر خلف». که در اینجا «مزدوجة» به معنی شعر در قالب مثنوی است، ولی از توصیفات بیرونی بر نمی‌آید که کتاب جواهرشناسی دینوری منظوم بوده است.

از میان آثار دینوری اکنون فقط نسخه‌هایی از کتاب القادری فی التعبير بر جای مانده

۱. بیرونی در جای‌جای الجماهر نظرات دینوری را نقل کرده است.

۲. نگارش در زمینه تشبیهات در این دوره رواج داشته است، چنان‌که خود ثعالبی رساله‌ای در تشبیهات نگاشته و آن را نزد ابوالمظفر نصر بن ناصرالدین (برادر محمود غزنوی که مدتی حاکم نیشابور بود) فرستاده است (ثعالبی، ۱۹۶۷). ثعالبی در تتمّة الیتمة هم به اثری از ابوسعید بن ابوالفرج در تشبیهات اشاره کرده است (ثعالبی، ۱۳۵۳: ۱۳/۱).

است و احتمالاً الجامع الكبير في التعبير که ثعالبی از آن نام برده، عنوان دیگر همین اثر است.

متن القادری تا کنون یک بار بر پایه یک نسخه (به شماره ۵۹۸ موزه بغداد، بی تا [حدود سده هشتم]) به چاپ رسیده است (دینوری، ۱۴۲۰). با توجه به استفاده از یک نسخه در چاپ می توان گفت که مصحح تا حدی موفق بوده است، اما با توجه به نسخه های فراوانی که از اصل عربی می شناسیم، شایسته است که چاپی انتقادی از آن تدارک شود.

نسخه شناسی کتاب الناصری فی ترجمه کتاب القادری

تنها نسخه شناخته شده از الناصری به شماره ۱۷۱۸ در کتابخانه ایصوفیا نگهداری می شود. نسخه توسط چند کاتب به طور کامل کتابت شده اما در پایان آن نامی از کاتبان و تاریخ کتابت برده نشده است.^۱ مع ذلک، در آغاز نسخه، سه صفحه یادداشت به قلم شخصی با نام «عبدالجلیل بن محمد بن عبدالباقی» بر جای مانده که ماجرای استنساخ نسخه را شرح می دهد.

از این یادداشت بر می آید که رشیدالدین فضل الله همدانی در اواسط سال ۷۰۱ق، یکی از مشاهیر آذربایجان با لقب «محبی الدولة و الدین» را به یزد می فرستد. در اثنای گفتگوی این فرستاده با بزرگان یزد معلوم می شود که یکی از ایشان، یعنی سراج الدین عبدالعزیز یزدی، کتاب القادری را به فارسی برگردانده است. فرستاده رشیدالدین تصمیم می گیرد تا نسخه ای از این ترجمه را استنساخ کند تا پس از بازگشت به آذربایجان، آن را به عنوان ره آورد به رشیدالدین و اطرافیان وی عرضه کند. بنابراین کتابت نسخه را به چند نفر سفارش می دهد و از یکی از آنها، یعنی عبدالجلیل بن محمد بن عبدالباقی، می خواهد که «از سبب استنساخ و مصدوقه حال، فصلی نویسد» و لذا عبدالجلیل این یادداشت را درباره ماجرای استنساخ نسخه در آغاز آن می افزاید. با توجه به چندگانگی خطوط نسخه می توان یقین کرد که این

۱. حسینی تاریخ کتابت نسخه را ۷۶۷ق ضبط کرده (حسینی، ۱۳۹۰: ۶۲) که درست نیست. این تاریخ مربوط به گزارش خوابی است که در زیر آخرین سطر متن افزوده شده است و ربطی به تاریخ کتابت نسخه ندارد. در چند جای دیگر نسخه نیز از این گونه گزارش های خواب ثبت شده است.

نکته درست است و نسخه بر دست چند کاتب (گویا سه تن) در حوالی سال ۷۰۱ ق نوشته شده است. از نام هیچ یک از کاتبان نسخه جز همین عبدالجلیل آگاهی نداریم. نسخه دارای ویژگی نسخه‌شناسانه خاصی نیست. عنوان‌ها به سرخی نوشته شده و همه صفحات نسخه با جدول‌های دوخطی سرخ‌رنگ به همان شیوه ادوار قدیم جدول‌کشی شده است. کل متن ۳۱۶ برگ دارد. واژه‌ها به ندرت مشکول شده است و برای برخی حروف، مانند «حاء»، نشانه‌هایی وضع شده تا با حروف مشابه خود اشتباه نشوند. به احتمال بسیار، نسخه زیر نظر مؤلف و احتمالاً از نسخه خط وی کتابت شده و اشتباهات کتابتی اندکی در آن دیده می‌شود.

متن‌شناسی کتاب القادری و الناصری فی ترجمه کتاب القادری

الناصری در بخش بندی فصول و ابواب دقیقاً پیرو اصل عربی (القادری) است و لذا توصیف القادری در واقع به شناسایی هر دو اثر می‌انجامد؛ هرچند که در بخشی جداگانه به چگونگی ترجمه نیز خواهیم پرداخت.

القادری به یک «مقدمه» و سی «فصل» بخش شده است. مانند بیشترین متون خوابگزاری، مقدمه القادری به اصول اولیه و مقدمات این دانش پرداخته است. این مباحث در خلال پانزده «مقاله» مورد بررسی قرار گرفته است. بخش اصلی متن که به توصیف نمادهای خواب اختصاص دارد به ترتیب الفبایی تنظیم نشده بلکه مانند بسیاری از لغت‌نامه‌های کهن، به شیوه دستگاهی تنظیم شده است. این بخش بندی دستگاهی، ذیل سی «فصل» طبقه‌بندی شده است و هر کدام از «فصل»ها ویژه یک موضوع عمومی است که بسته به مطالب مرتبط به آن، تعداد «باب»های آن فصل متفاوت است.

دینوری در مقاله پانزدهم از مقدمه کتاب از یکصد تن از نام‌آوران خوابگزاری یاد کرده است. اشارات مندرج در متن القادری نشان می‌دهد که وی احتمالاً به کتاب‌های شماری از این افراد دسترسی داشته است. بعضی از آنها - مانند ابن سیرین و کرمانی - در زمره معبران سرشناس اسلامی بوده‌اند که به احتمال بسیار دینوری از آثار ایشان بهره برده است.

اما دینوری جز منابع دوره اسلامی از برخی منابع دیگر هم استفاده کرده است. برای نمونه در جای‌جای القادری از ارطامیدورس مطالبی نقل شده است. این شخص همان

Artemidorus Daldianus از نویسندگان یونانی قرن دوم میلادی است که کتاب تعبیر خوابش با عنوان *Oneirocritica* در ادوار قدیم مشهور بوده و متن یونانی آن موجود است. در دوره اسلامی نیز ترجمه‌ای از آن به زبان عربی توسط حنین بن اسحق (د. ۲۶۰ق) به انجام رسیده که اکنون موجود و دست‌کم دو بار چاپ شده است (الافسی، ۱۹۶۴؛ همو، ۱۹۹۱). دینوری به ظن قوی از این ترجمه عربی بهره برده است.^۱

دینوری در مقدمه، از چند تن به‌عنوان خوابگزاران مجوس یاد کرده که برخی از آنان مانند بزرجمهر بن بختکان به دانایی شهرتی اساطیری یافته‌اند. در جای‌جای القادری به اقوال ایرانیان پیش از اسلام - مانند بهمن بن اسفندیار، کسری انوشروان و... - نیز اشاره شده است اما در همان مقدمه از شخصی با نام «کشمرد^۲ بن جاماسب» نام برده شده (دینوری، ۱۴۲۰: ۱۱۵/۱) که شاید یکی از معبران ایرانی در ادوار کهن بوده و شاید کتابی هم داشته است.

نویسنده الناصری و مَهْدی‌الیه کتاب

چنان‌که اشاره شد الناصری توسط سراج‌الدین عبدالعزیز الیزدی نگاشته/ترجمه شده است. متأسفانه در منابع مورد رجوع ما هیچ اطلاعاتی درباره این شخص به دست نیامد. یادداشت مندرج در آغاز نسخه (گ ۳) اندک اطلاعاتی درباره وی به دست می‌دهد:

هذا الكتاب من مؤلفات مولانا المعظم الامام الاعظم، مالک ازمة البيان، شافعی
الدوران، سراج الملة و الدين، كريم الاسلام و المسلمین، وارث الانبياء و المرسلین،
جامع المعقول و المنقول، شارح المسموع و المشروع، مفتی الممالک، عبدالعزیز الیزدی
ادام الله معاليه و اضعف معادیه.

صرف نظر از برخی عبارات‌های ستایش‌آمیز، این آگاهی‌ها از عبارات بالا به دست

۱. فهمی سعد با توجه به برخی تفاوت‌ها میان منقولات دینوری و ترجمه حنین بن اسحق می‌گوید که ممکن است دینوری به اصل یونانی آن دست داشته است (دینوری، ۱۴۲۰: ۱/یه).

۲. گویا نام/لقب «کشمرد» در دوره پس از اسلام نیز رواج داشته (مثلاً، ابوعلی کشمرد، محمد بن عمرو ابن النضر النیسابوری [د. ۲۸۷ق]) که شکل معرب آن یعنی «قشمرد»، ضبط نخستین حرف آن را مشخص می‌کند (ابن الجوزی، ۱۹۹۳: ۳۶۴ و ۳۸۱؛ بیهقی، ۱۹۶۸: ۱۷۸). سمعانی نیز از نسبت «الکشمردی» یاد کرده، و گمان برده که این اسم برگرفته از نام یکی از نیاکان منتسب الیه است (سمعانی، ۱۴۰۱: ۴۳۵).

می‌آید: ۱. عبدالعزیز در زمان کتابت نسخه (حدود ۷۰۱ق) زنده بوده است ۲. از تعبیراتی چون «شافعی الدوران» و «مفتی الممالک» بر می‌آید که وی دارای مقام قضایی - دینی و احتمالاً صاحب منصب فتوا طبق مذهب شافعی بوده است.

چنان‌که مترجم در مقدمه کتاب تصریح کرده، این ترجمه به فرمان «علی خواجه بن شمس الدین عمرشاه بن زین الدین علی بن موسی الیزدی مولداً البلخی مَحْتِداً (زاده یزد، خاستگاه بلخ)» تهیه شده است. تنها اطلاعی که درباره این شخص یافتیم، به واسطه عبارتی در جامع التواریخ است که صرفاً نشان می‌دهد وی در سال ۶۹۱ق (یعنی یک سال پیش از ترجمه الناصری) حاکم یزد بوده (همدانی، ۱۳۹۴: ۱۲۶۳)، گرچه در آنجا نسبت وی «سمرقندی» ضبط شده است: «چنان نقل کردند که در سنه احدی و تسعین و ستمائه که در ولایت یزد علی خواجه پسر عمرشاه سمرقندی حاکم بود، یکی از ملاک به دیهی رفت ...».

شیوه ترجمه در الناصری

در ترجمه متون عربی به فارسی معمولاً دو شیوه عمومیت داشته است: یکی ترجمه تحت اللفظی (واژه به واژه) و دیگری ترجمه آزاد که معمولاً به شکل تفصیلی و اغلب با عبارات منشیانه، همراه با آرایش کلام و کاربرد صنایع ادبی گوناگون همراه بوده است. در این میان، نمونه‌های اندکی پیدا می‌شود که مترجم، متنی را به صورت متعارف ترجمه کرده باشد. کتاب الناصری در زمره همین گروه متعارف‌نویسی است و تقریباً بیشتر متن، به شیوه ساده و با هدف انتقال مفاهیم ترجمه شده و از لفاظی و صنعت‌گری در آن پرهیز شده است. مترجم خود در مقدمه می‌گوید که علی‌خواجه از وی خواست تا القادری را ترجمه کند:

... چون این دعاگوی در مجاز و استعارت فارسی نویسان خوضی نکرده بود، از این مقام تفادی نمود؛ و ایشان هیچ‌گونه به تقاعد او التفات نمودند و به اقتراحی هرچه تمام‌تر اتمام این مهم بر وی واجب و متحتم گردانیدند. پس ... آن مجموعه را چنانک دست داد نه چنانک دلخواه بود ترجمه‌ای نوشته شد.

با توجه به این‌که مترجم از عهده ترجمه و انتقال عبارات و مفاهیم اصل عربی برآمده، در میزان دانش و فضل وی جای تردید نیست و با آن‌که اشاره دارد که: «در مجاز و استعارت فارسی نویسان خوضی نکرده...»، با این حال در مواضعی مانند دیباجه کتاب که پرداخته

قلم اوست، نثری به اصول دارد و چه بسا توانایی عبارت‌پردازی به شیوه منشیان و مترسلان را داشته است ولی به دلیل حجم و موضوع اثر، ترجیح داده که از درازگویی پرهیز کند. در مواردی معدود، مترجم از متن عربی عدول کرده است که شماری از این مغایرت‌ها، ماحصل اختلافات عقیدتی میان نویسندگان و مترجم است.

تأثیر القادری در آثار پس از خود

نتایج جستجوی ما نشان می‌دهد که هیچ‌کدام از نویسندگان متون خوابگزاری، کتاب الثّاصری را در دسترس نداشته‌اند و هیچ نشانه‌ای از استفاده از این متن در آثار بعدی یافت نشد. اما چنان‌که گفتیم، القادری در ادوار پیشین رواج داشته و کمابیش در آثار دیگر، از جمله برخی شروح جوامع حدیث اهل تسنن، به کار رفته است. برای نمونه، ابن حجر عسقلانی (۷۷۳-۸۵۲ق) در فتح الباری بشرح صحیح البخاری در شرح احادیث «کتاب التّعیر» صحیح بخاری، دست‌کم دو جا از دینوری و القادری نقل قول کرده است (عسقلانی، بی‌تا: ۳۵۵/۱۲ و ۳۹۰). بدرالدین عینی (د. ۸۵۵ق) نیز در عمدة القاری که اثری در شرح صحیح بخاری است، در «باب رؤیا اللیل» از دینوری نقل کرده که احتمالاً برگرفته از ابن حجر است (عینی، ۱۴۲۱: ۲۱۳/۲۴). در منقولات برخی منابع مرتبط بعدی نیز از دینوری یاد شده که می‌تواند برگرفته از منابع یادشده باشد.

در این‌گونه منابع از القادری به صورت محدود استفاده شده است، اما از منابع خوابگزاری که به‌طور گسترده از القادری بهره برده‌اند می‌توان المعلم علی حروف المعجم، اثر ابراهیم بن یحیی بن غنم حنبلی (د. ۶۷۴ق) را نام برد. در مقدمه این اثر بدون ذکر نام القادری، عبارات زیادی از آن عیناً نقل شده است تا جایی که اطلاق انتقال بر آن درست می‌نماید. ابن غنم مطالب مقدمه القادری را در کتاب منتحل خود جابجا کرده است (قس: مقاله اول دو اثر را باهم، و نیز مقاله هشتم القادری را با مقاله نهم المعلم). متن اثر نیز به شیوه زیرکانه‌ای مقتبس از القادری است و ابن غنم مطالب را به ترتیب الفبایی منظم، و مضمون مطالب القادری را خلاصه‌وار نقل کرده است.

جز اینها، باید از تعبیر سلطانی اثر قاضی اسماعیل بن نظام ابرقوهی یاد کرد که در سال

۱. از وی چهار اثر در خوابگزاری معرفی شده که شاید برخی از آنها یکی باشند (قره‌بلوط، بی‌تا: ۹۴).

۷۶۳ق برای شاه‌شجاع مظفری (حک. ۷۵۹-۷۸۶ق) تألیف شده است. نویسنده در مقدمه کتابش بیان می‌کند که در تدوین کتاب خود از سه اثر بهره برده که یکی از آنها القادری است. طبق بررسی ما، ابرقوهی از اصل عربی القادری استفاده کرده و علی‌الظاهر از وجود الناصری خبر نداشته است. ابرقوهی تصریح می‌کند که: «از مخصوصات این کتاب، یکی بیان خوابها مجرب است که در دیگر کتب این فن مطالعه نیفتاده». این بخش‌ها همان است که در اصل عربی ذیل عناوینی چون «فی علاوته من الرؤیا المجربة» نقل شده و ابرقوهی عمده این موارد را در کتابش ترجمه و نقل کرده است. از مقایسه بخش‌های ترجمه‌شده در تعبیر سلطانی با مواضع مشابه در الناصری می‌توان اختلاف دو ترجمه را دریافت. برای نمونه بخشی از تعبیر کشتی (سفینه) در الناصری (۱۸۵ر) با برابر آن در تعبیر سلطانی (نسخه ۱۷۲۸ کتابخانه ایاصوفیا، گ ۲۱۵ر) در دو ستون زیر نقل می‌شود:

تعبیر سلطانی	الناصری
دیگری در خواب دید که ایاس قاضی در آبی قوی ایستاده بودی و کلبتی رانندی و تعبیر کرد که با او می‌باید گفت تا [حکم] بر اثر کند نه به رای؛ چه معهود آن است که کلبت بر آب قوی نرانند.	مردی دیگر ابن‌سیرین را گفت که ایاس بن معویه را دیدم در خواب که بر آب قایم بود بضراب المردی ^۱ . ابن‌سیرین او را گفت که با ایاس بن معویه بگوی که به حدیث و خبر حکم کن و به رای خود حکم مکن.
و شیخی از نصاری به خواب دید که پسرش در کشتی رفتی و در هبوب کشتی بودی و دریا در جزر و مد و آن اضطراب را تسکین دادی. و با راهبی گفت و تعبیر کرد که پسرش ولایه معتبر یابد چنانکه مشابه سلطنت باشد ...	ترسایان گویند کی شیخی ترسا در خواب دید کی فرزند او در کشتی بود و باد سخت می‌جست و دریا مد می‌کرد - یعنی آب آن زیادت می‌شد - و بانگ می‌کرد و پسر صاحب ساکن بود. از معتبری راهب پرسید، معتبر گفت کی پسر تو ریاستی شریف و سلطانی بیابد ...

با توجه به این که بخش‌های قابل توجهی از القادری در تعبیر سلطانی ترجمه و نقل شده است، می‌توان اثر اخیر را ترجمه‌مانندی از القادری به شمار آورد و از آن در کنار اصل عربی در تصحیح الناصری بهره جست.

۱. مُردی: چوب بلند برای راندن کشتی.

اهمیت متنی و زبانی الناصری

اهمیت متون ترجمه‌شده به فارسی از دیرباز برای پژوهشگران روشن بوده است. تا کنون نمونه‌هایی چون ترجمه‌های قرآن و برخی دیگر از متون عربی - مانند مقامات حریری - موضوع پژوهش‌هایی قرار گرفته است. بسیاری از این آثار ترجمه‌هایی تحت‌اللفظی هستند که نحو فارسی در آنها رعایت نشده است. کتاب الناصری خوشبختانه در زمره ترجمه‌های تحت‌اللفظی نیست و لذا از نظر نحو فارسی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. چون این اثر در اواخر سده هفتم در شهر یزد نوشته شده است، شاید ویژگی‌های زبانی آن منطقه را داشته باشد. این موضوع نیازمند بررسی ویژه است.

معمولاً در متون تعبیر خواب از ابزار زندگی روزانه مردم و برخی از آداب و رسوم و باورها گفتگو می‌شود و از این دیدگاه، تنوع واژگانی قابل توجهی دارند. از سویی، در ترجمه‌هایی که متن اصلی آنها موجود است می‌توان معنای دقیق برخی از واژه‌ها و تعبیرات کم‌کاربرد آنها را به دقت فهمید. خوشبختانه الناصری به دلیل گستردگی موضوعات، دارای شمار قابل توجهی از این واژه‌ها و تعبیرات است که با سنجش آنها با اصل عربی می‌توان به معنای دقیق آنها دست یافت. برای نمونه در جایی از متن (۱۹۳پ) آمده است:

اگر بیند که از خشت پخته و چارو^۱ آهنگی می‌سازد، او فرزند خود را ادب آموزاند ... و گج و چارو و خشت پخته از عمل اهل آتش بُود ... هرکه بیند که خانه او آهنگ باشد، زنی روستایی دین‌دار را نکاح کند چون آهنگ از خشت خام باشد و اگر از خشت پخته باشد، در آن زن نفاقی باشد.

از عبارات متن عربی (دینوری، ۱۴۲۰: ۱۳۳/۲) معلوم می‌شود که واژه «آهنگ» در

برابر «ازج» و واژه «چارو» در برابر «صهروج» آمده است:

و من رأى يعقد أزجاً بأجر و صهروج، فإنه يؤدب ولده ... و الجص و الصهروج و الأجر
من عمل اهل النار ... و من رأى بيته أزعج، يتزوج بامرأة قروى [صاحب] دين اذا كان الأزج
من لبن. فإن كان من أجر، ففيها نفاق.

کاربرد واژه «آهنگ» در این معنی شواهد بسیار اندکی دارد که مفهوم را هم درست القاء

۱. نسخه همه‌جا: «چارو».

۲. نسخه همه‌جا: «اهنگی».

نمی‌کنند (نک: ذیل همین کلمه در لغت‌نامه و فرهنگ جامع زبان فارسی)، اما مقایسه القادری با الناصری شاهی دقیق از این معنی به دست می‌دهد. فهرست واژه‌ها و تعبیرات الناصری بسیار طولانی خواهد بود؛ بنابراین در اینجا به چند نمونه از واژه‌ها یا تعبیرات دیریاب متن بسنده می‌کنیم:

بازیار (کشاورز، ۳۱ ر، در این عبارت: «... و اگر بازیاری بیند، زرع او بُود») || **جمنده** **گوش** (در برابر دابة الأذن، ۲۴۳ ر) || **خروه و کیخدا** (خروس و کتخدا [در برابر دیک و رِب]، ۲۴۲ پ، در این عبارت: «در دیدن دیک یعنی خروه: و آن در خواب، کیخدا [ی] خانه باشد چنانک ماکیان در خواب، کذبانو خانه بُود...») || **دیوجه آب و زرو** (= زالو، ۲۴۹ ر، در این عبارت: «... دیدن علق یعنی دیوجه آب که انرا زرو نیز گویند») || **سردی یافتن** (احساس سرما کردن، ۲۸ ر، در این عبارت: «و ازین جمله بُود انک کسی در خواب بیند که در میان آبی سرد یا در میان خانه سرد باشد و چون بیدار شود سرما و سردی یافته بُود»). تعبیر «سرد یافتن» به همین معنی در بیتی از کلیله و دمنه رودکی آمده: «شب زمستان بود و کپی سرد یافت اکر مک شب تاب ناگاهی بتافت»؛ برای شواهد دیگر نک: رواقی و میرشمسی: ۲۲۳ و ۴۸۱) || **شهریر** (= شهریور، ۲۹ پ، در القادری هم شهریر است و این ضبط در بسیاری از متون معتبر فارسی و عربی آمده) || **گشتی گیران** (به کاف مضموم و شین سه نقطه [و نه کستی]، ۲۷ پ) || **کلاژ** (در نسخه باژ، در برابر عقق، ۲۴۸ ر) || **مورش** (در برابر الخرز، ۲۲۸ پ).

یکی از ویژگی‌های زبانی متن، ابدال حروف است: بزغ (وزغ، ۳۱ پ، ۲۴۶ ر) || **بلگ** (برگ گیاه، نسخه: بلک، ۲۹ پ) || **گرماوه** (گرمايه، ۲۸ پ) || **وا** (= با، ۲۶ ر، ۲۹ ر، ۲۹ پ، ۳۰ پ).

آنچه در متون ترجمه‌شده باید مورد توجه قرار گیرد این است که مترجم برای برگرداندن متن، چه بسا از برخی لغت‌نامه‌ها بهره برده باشد. ممکن است که لغت‌نامه مورد استفاده مربوط به گونه‌ای جز گونه زبانی مترجم باشد. مثلاً، اگر مترجم آذربایجانی بوده و از مقدمه الادب زمخشری که گونه ماوراءالنهری دارد، در ترجمه استفاده کرده باشد، گونه ماوراءالنهری در مفردات و واژه‌ها تأثیر خواهد گذاشت و لذا نمی‌توان چنین متنی را از نمونه‌های زبان نویسندگان آذربایجان به شمار آورد. گمان می‌رود که کتاب الناصری نیز از

همین مقوله باشد؛ با این حال، با توجه به قدمت اثر و نسخه موجود از آن و همچنین گستره موضوعات متن و فواید متعددی که می‌توان از آن گرفت، امیدواریم انتشار آن مورد توجه صاحب‌همتی قرار گیرد.

منابع

- آذرنوش، آذرتاش و رضوان مساح (۱۳۹۲خ). «ثعالبی، ابومنصور». دایرةالمعارف بزرگ اسلامی. تهران، انتشارات مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی: ۳۲/۱۷-۴۰.
- ابن الجوزی، عبدالرحمن بن علی بن محمد (۱۹۹۳م). کشف الثقب عن الاسماء و الالقاب. تحقیق الدكتور عبدالعزيز بن راجی الصاعدی. الرياض: مكتبة دارالسلام.
- ابن عربشاه، شهاب‌الدین احمد بن محمد بن عبدالله الدمشقی الانصاری (۱۲۸۵هـ). عجایب المقدور فی اخبار تیمور (کتاب ...). القاهرة: مطبعة وادی النيل.
- _____ (۱۳۵۶خ). زندگانی شگفت‌آور تیمور (ترجمه عجایب المقدور فی اخبار تیمور). ترجمه محمدعلی نجاتی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- الإفسی، أرطامیدورس (۱۹۶۴م). کتاب تعبیر الرؤیا. ترجمه حنین بن اسحق. تحقیق توفیق فهد. دمشق: المعهد الفرنسي للدراسات العربية.
- _____ (۱۹۹۱م). کتاب تعبیر الرؤیا. ترجمه حنین بن اسحق. تحقیق دكتور عبدالمنعم الحفیني. القاهرة: دارالرشاد.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۷هـ). صحیح البخاری. تحقیق الدكتور مصطفى ديب البغا. دمشق: دار ابن كثير و اليمامة.
- بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد (۱۳۷۴خ). الجماهر فی الجواهر. به‌کوشش یوسف الهادی. تهران: دفتر نشر میراث مکتوب و انتشارات علمی و فرهنگی.
- ترمذی، محمد بن عیسی بن سوره (بی‌تا). الجامع الصّحیح. تحقیق ابراهیم عطوه عوض. بیروت: دار احیاء التّراث العربي.
- تقلیسی، ابوالفضل حبیب بن ابراهیم (۱۳۹۴خ). کامل‌التعبیر. به‌کوشش مختار کمیلی. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- ثعالبی، ابومنصور عبدالملک النّیسابوری (۱۳۵۳هـ). تتمّة الیتیمة (کتاب ...؛ الجزء الاول). تحقیق عباس اقبال. طهران: مطبعة فردین.

- _____ (۱۴۰۳/هـ/۱۹۸۳م). یتیمه الدهر فی محاسن اهل العصر. تحقیق الدكتور مفید محمد قمیحة. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- _____ (۱۹۶۷م). «المتشابه». تحقیق الدكتور ابراهیم السامرائی. [مستلة من] مجلّة الآداب، العدد العاشر: ۴-۳۳ (بغداد: مطبعة الحكومة).
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله (۱۸۳۵-۱۸۵۸م). كشف الظنون (۷ ج). تصحیح گوستاو فلوگل. نیویورک و لندن و لیبزیگ.
- _____ (۲۰۱۰م). سلم الوصول الی طبقات الفحول. تحقیق محمود عبدالقادر الارناؤوط. استانبول: ایرسیکا.
- حسینی، سید محمد تقی (۱۳۹۰خ). فهرست دست نویس های فارسی کتابخانه ایاصوفیا (استانبول). تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- درایتی، مصطفی (۱۳۹۱خ). فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا؛ ج ۸). تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- دینوری، ابوسعید نصر بن یعقوب بن ابراهیم (۱۴۲۰هـ/۲۰۰۰م). التعبير فی الرؤیا أو القادری فی التعبير. تحقیق فهمی سعد. بیروت: عالم الکتب.
- دینوری، ابو محمد عبدالله بن مسلم بن قتیبة (۱۴۲۲هـ/۲۰۰۱م). تعبير الرؤیا (کتاب ...). تحقیق ابراهیم صالح. دمشق: دارالبشائر.
- رواقی، علی و مریم میرشمسی (۱۳۸۱خ). ذیل فرهنگ های فارسی. تهران: هرمس.
- روح اللهی، حسین (۱۳۹۲خ). «دینوری، ابوسعید (سعد) نصر بن یعقوب (بغدادی)». دانشنامه جهان اسلام. زیر نظر غلامعلی حدّاد عادل. تهران، بنیاد دایرة المعارف اسلامی: ۶۲۴-۶۲۶.
- سمعانی، عبدالکریم بن محمد بن منصور التمیمی (۱۴۰۱ق). الانساب (ج ۱۰). القاهرة: مکتبة ابن تیمیة.
- صفدی، صلاح الدین خلیل بن ایبک (۱۴۱۸ق/۱۹۹۷م). الوافی بالوفیات (کتاب ...؛ الجزء السابع و العشرون). تحقیق و اعتناء و تفرید فاینفرت. بیروت: المعهد الألماني للأبحاث الشرقية.
- صفری آق قلعه، علی (۱۳۹۲خ). «تکمله و استدراکاتی بر فهرست دست نویس های فارسی کتابخانه ایاصوفیا». گزارش میراث، پیاپی ۵۶ و ۵۷ [فروردین - تیرماه]: ۹۱-۱۰۴.

- عسقلانی، ابن حجر احمد بن علی (بی تا). فتح الباری بشرح صحیح الامام ابی عبدالله محمد بن اسمعیل البخاری. تحقیق عبدالعزیز بن عبدالله بن باز. مدینه: المكتبة السلفية.
- عینی، بدرالدین ابومحمد محمود بن احمد (۱۴۲۱/هـ/۲۰۰۱م). عمدة القاری. تحقیق عبدالله محمود محمد عمر. بیروت: دارالکتب العلمية.
- قره بلوط، علی الرضا و أحمد طوران (بی تا). معجم التاریخ التراث الاسلامی فی مکتبات العالم. قیصری: دارالعقبة.
- کتبی، محمد بن شاکر (۱۹۷۴م). فوات الوفيات (ج ۴). تحقیق الدكتور احسان عباس. بیروت: دارالثقافة.
- کحالة، عمر رضا (۱۴۱۴/هـ/۱۹۹۳م). معجم المؤلفین. بیروت: مؤسسه الرسالة.
- کمیلی، مختار (۱۳۸۷خ). «خوابنامه نویسی در زبان و ادب فارسی». گوهر گویا، س ۲، ش ۸ [زمستان]: ۱۵۱-۱۷۷.
- ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۸۱خ). الفهرست (کتاب ...). تحقیق رضا تجدد. تهران: انتشارات اساطیر.
- همدانی، رشیدالدین فضل الله (۱۳۹۴خ). جامع التواریخ (تاریخ مبارک غازی). به کوشش محمد روشن و مصطفی موسوی. تهران: میراث مکتوب.